گزارش

واکنش ۲ مرجع تقلید به نقدهایی به شورای‌عالی حوزه علمیه

چه جریانی شورای‌عالی حوزه را برنمی‌تابد؟

● **شرق:** گویا در حوزه علمیه بحث‌هایی درباره شورای‌عالی حوزه مطرح شده که به رسانه‌ها درز پیدا نکرده است. دیروز آیت‌الله نوری‌همدانی و آیت‌الله مکارم‌شیرازی، دو مرجع تقلید شیعه، در درس خارج فقه خود از شورای‌عالی حوزه دفاع و حمایت کردند. به گزارش «ایلنا»، آیت‌الله نوری‌همدانی با اشاره به برخی هجمه‌ها علیه شورای‌عالی حوزه‌های علمیه که البته جزئیات آن مشخص نیست، گفته: «شورای‌عالی حوزه را از نظر اخلاص، سابقه و فقاهت و جنبه‌های مثبت تأیید و حمایت می‌کنیم، باید از زحمات اعضای این شورا تقدیر کنیم».

آیت‌الله مکارم‌شیرازی هم در درس خارج خود در مسجد اعظم قم روی همین موضوع تأکید کرده است. او گفته که «شنیده شده است که در بعضی از جلسات، برخی از افراد کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع به شورای‌عالی حوزه اهانت کردند؛ توجه داشته باشید شورای‌عالی حوزه منتخب مراجع و رهبری است؛ اگر کسی به آنها اهانتی کرده و مطلب خلافی بگوید، به مراجع و رهبر بزرگوار انقلاب توهین کرده است؛ چراکه ایشان حضور تمام اعضا را امضا کرده است». مکارم‌شیرازی در ادامه، بحث تفسیر بد از جوان‌گرایی را مطرح کرده و گفته: «معنای جوان‌گرایی را خیلی‌ها نمی‌دانند...». این موضوع می‌تواند حاکی از این باشد که منتقدان شورای‌عالی حوزه، طلبه‌های جوانی باشند که به ساختار سنتی حوزه انتقاد دارند. هرچند پیش از این عمده اعتراض‌ها و انتقادات طلبه‌ها متوجه دولت بوده است.

شورای‌عالی جدید حوزه علمیه کار خود را از سال ۷۴ آغاز کرده است. این شورا متشکل از شماری از مدرسان و بزرگان حوزه علمیه قم است که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در بخش‌های مختلف آموزشی، اخلاقی، تبلیغی و اجتماعی حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های وابسته به آن را برعهده دارد. نامزدهای عضویت در این شورا که دست‌کم باید هفت نفر باشند، از سوی جامعه مدرسین به رهبر انقلاب و مراجع تقلید معرفی می‌شوند و پس از تأیید، به عضویت شورا درمی‌آیند. تشکیل دوره اول آن اما به سال ۱۳۷۰ برمی‌گردد. اعضای دوره هفتم؛ یعنی دوره کنونی این شورا، رضا استادی از سال ۱۳۷۰، سیدهاشم حسینی‌بوشهری و سیداحمد خاتمی از سال ۸۷، سیدمحمد غروی و مرتضی مقتدایی از سال ۸۳ عضو این شورا هستند. جواد مروی و علیرضا اعرافی از دیگر اعضای فعلی این شورا هستند. در این شرایط مشخص نیست که اعتراض‌ها و انتقادات به این شورا متوجه چه مسائلی است و چه جریانی پشت آن است.

در همین هفته نیز تجمع برخی طلاب و استادان حوزه علمیه قم که برای حمایت از بیانیه گام دوم انقلاب انجام شد، حاشیه‌هایی داشت. به نوشته «تابناک»، در میانه‌های این تجمع بیانیه‌ای بدون امضا از سوی یک طلبه منتشر شد که به‌شدت رؤسای سه قوه را مورد انتقاد قرار داده بود و هشدارهایی جدی را به آنها می‌داد. در پایان این بیانیه پیشنهاد شده که «همه طلاب و فضلا و مردم انقلابی قم در کاروانی کفن‌پوش، مسیر حرم تا حرم (حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها تا حرم حضرت امام رحمه‌الله علیه) را طی کرده و به امام راحل عزیزمان بگوییم که هرگز نخواهیم گذاشت که به خلف صالح‌تان، امام خامنه‌ای عزیز همچون شما ظالمانه و مکارانه جام زهر بنوشانند و باری دیگر دستان علی زمان را با دستار و دسیسه ببندند». قم اما همواره محمل تجمعات اعتراضی بوده است؛ به‌طورمثال تجمعی که در فیضیه شکل گرفته بود و در آن رئیس‌جمهوری به نوعی تهدید به مرگ شده بود. فاضل میبدی، از استادان حوزه علمیه قم، درباره این اعتراضات به «شرق» گفته بود: «این حرکات، تبار حوزوی ندارد. این رفتارها دارای تبار سیاسی و تبار ایدئولوژیک است».

او تأکید کرده بود که این گروه گرایش‌های بنیادگرایی دارند. میبدی به تبار سیاسی این طلاب نیز اشاره کرده و گفته بود که منافع حزبی عده‌ای ایجاب می‌کند که این طلاب این‌گونه حرکت کنند وگرنه اینها در حوزه پایگاهی ندارند و بیشتر از بیرون هدایت می‌شوند.

مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، نیز به تازگی گفته: «جریان‌های مخالف انقلاب که معروف به جریان‌های سنتی هستند، ربطی هم به آقای شریعتمداری و امثال او ندارند، الان در حوزه جان گرفته و بالا آمده‌اند. آنها خیلی فعال هستند و برای آینده هم نقشه دارند. در حوزه یک جریانی خودش را انقلابی می‌داند که البته از بیرون هدایت می‌شود...».

تا اینجا آنچه مشخص است شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی در حوزه علمیه است که از سوی طلبه‌های جوان اجرا می‌شود، اما این سؤال که چه جریان‌هایی از بیرون طلبه‌های جوان را هدایت می‌کنند، سؤالی است که هنوز پاسخ آن روشن نیست؛ جریان‌هایی از سوی نهادهای مخالف دولت کنونی یا جریان‌های فکری.

انتظارات حقوق‌دان‌ها از ابراهیم رئیسی

عکس: ابوالفضل ماهرخ، آنا

مهرشاد ایمانی: ریاست صادق آیت‌الله آملی‌لاریجانی بر قوه قضائیه رو به پایان است و به ضرورت قانون باید رئیس این قوه تغییر کند. سیدابراهیم رئیسی، رئیس بعدی قوه قضائیه خواهد بود؛ فردی که جدای از گرایش‌های سیاسی‌اش که در پایگاه اصولگرایی می‌گنجد، از حیث حقوقی و قضائی مورد اتفاق‌نظر عموم شخصیت‌های حقوقی و سیاسی قرار دارد زیرا او علاوه بر تحصیلات دانشگاهی در رشته حقوق، سال‌ها در قوه قضائیه کار کرده است و انتظار می‌رود با چنین داشته‌هایی تحولات مثبتی در قوه قضائیه ایجاد کند. البته این مهم میسر نمی‌شود، مگر با اصلاح واقعی بعضی از ساختارها و توجه به موضوعات بنیادینی که می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی و شفافیت عملکرد این قوه منجر شود که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین موضوعات، مبارزه عادلانه، حقوقی و مبتنی بر اقناع عمومی با فساد است. برای بررسی انتظاراتی که می‌توان از رئیس آینده قوه قضائیه داشت، نظر برخی از حقوق‌دان‌های کشور را جویا شدیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

اعتماد عمومی و شفافیت

مرتضی شهبازی‌نیا، رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا باور دارد که اعتماد عمومی به قوه قضائیه و ایجاد شفافیت قضائی دو انتظاری است که اگر به‌طورکامل محقق شود، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بسیار مثبتی باشد. او به «شرق» گفت: «اعتماد عمومی به دستگاه قضائی یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه قضائی است. وقتی مردم به نظام قضائی کشورشان اعتماد داشته باشند، با طیب خاطر به قوه قضائیه پناه می‌آوردند زیرا می‌دانند که مسئله آنها بر اساس عدالت بررسی می‌شود؛ با چنین وصفی آنچه از رئیس آتی دستگاه قضا انتظار می‌رود، تحقق اعتماد عمومی به قوه قضائیه است. نکته مهم دیگر شفافیت قضائی است که انتظار می‌رود یکی از محورهای موردتوجه آقای رئیسی قرار بگیرد زیرا در صورت نبود شفافیت در وهله نخست قوه قضائیه آسیب‌پذیر می‌شود. انتظار دیگر این است که در آینده به‌جای تأکید بر توسعه کمی و افزایش قضات، وجه کیفی دستگاه قضائی بالا برود. درحال‌حاضر قوه قضائیه مسئولیت‌هایی را در اختیار گرفته است که انرژی دستگاه قضائی را از بین می‌برد؛ برای مثال مشاهده می‌کنیم که بخشی از توان این قوه مصروف صدور مجوزها به مراکز مختلف مانند مرکز مشاوران یا میانجیگری شده است. صحیح نیست که دستگاه قضائی کشور مانند یک نهاد شبه‌قضائی عمل کند. امید این است که در دوره ریاست آقای رئیسی تمرکز دستگاه قضا بر محاکم باشد».

اصلاح تبصره ماده ۴۸

شهبازی‌نیا در ادامه از انتظاراتی که درباره نهاد وکالت مطرح است، سخن گفت: «نهاد وکالت درگیر نگاه‌های خاصی است که بعضا آن را آسیب‌پذیر کرده است. یکی از مهم‌ترین معضلات این روزهای وکلا و صدالبته مردم تبصره ماده۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری است؛ این تبصره استقلال نهاد وکالت را نشانه رفته است زیرا در دعواهایی که یک سر آن حاکمیت قرار دارد، بیش از هر زمان دیگری نیاز است که وکیل استقلال داشته باشد. به باور من این تبصره مغایر با اصل ۳۵ قانون اساسی است و دایره انتخاب وکیل را برای مردم محدود می‌کند؛ از سوی دیگر مردم نیز به وکلای تعیینی اعتماد نخواهند داشت و این می‌تواند در ابعاد کلان باعث بی‌اعتمادی به دستگاه قضائی شود. شایسته است که در آینده‌ای نه‌چندان دور قوه قضائیه که به پشتوانه قانون اساسی مدافع حقوق مردم است، درصدد اصلاح آن از طریق مجلس برآید یا آنکه دایره وکلای تعیینی را آن‌قدر گسترده فرض کند که تمام افرادی که توانسته‌اند از کانون وکلا پروانه وکالت دریافت کنند، بتوانند در همه پرونده‌ها به وکالت بپردازند». این وکیل دادگستری در پایان گفت: «در مجموع حضور آقای رئیسی را مثبت ارزیابی می‌کنم زیرا ایشان از جهت تجربه و دانش حقوقی در سطح خوبی قرار دارند و می‌توانند منشأ تحولات مثبتی در قوه قضائیه باشند».

مبارزه با فساد

بهمن کشاورز، حقوق‌دان درباره اقداماتی که می‌تواند منجر به افزایش استحکام قوه قضائیه بشود، به «شرق» گفت: «گمان می‌کنم مهم‌ترین مطلبی که ریاست جدید قوه قضائیه باید به آن بپردازد، مبارزه با فساد در سطح عمومی و سپس در قوه قضائیه است؛ به‌عبارت‌دیگر به نظر می‌رسد که آقای رئیسی باید اولا محیط خود قوه را با دقت و وسواس پاک‌سازی کند و درعین‌حال با ابزارهایی که در قوه قضائیه برای مبارزه با فساد در اختیار دارد، به مبارزه با پدیده فساد در سطح عمومی و به‌ویژه با مؤسسات و سازمان‌های دولتی بپردازد که البته به‌ناچار در بعضی از موارد این مبارزه به افراد و اشخاص حقوق خصوصی نیز سرایت خواهد کرد. دومین دل‌مشغولی ایشان باید رفع شبهاتی باشد که درباره جهت‌گیری‌های جناحی و سیاسی قوه قضائیه وجود دارد زیرا ضرورت دارد که قوه قضائیه در مقام ایفای وظایف خود کاملا از درگیری‌های سیاسی دوری گزیند و با کسانی که در معرض اتهام قرار دارند، بدون توجه به گرایش‌های سیاسی‌های آنان یکسان برخورد کند و در نهایت گمان می‌کنم از رئیس جدید قوه قضائیه توقع می‌رود مشکلاتی را که در زمینه حق دفاع مردم با تبصره ماده۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و به‌ویژه با سرایت‌دادن آن از جانب برخی از دادگاه‌ها به مرحله ماهیتی رسیدگی وجود دارد، حل کند».

مقابله با رویکردهای سیاسی

علی نجفی‌توانا، حقوق‌دان و مدرس دانشگاه، معتقد است که یکی از مهم‌ترین انتظارات از آقای ابراهیم رئیسی پرهیز از سیاسی‌کاری است. او به «شرق» چنین گفت: «یکی از لوازم مدیریت موفق در سطح کلان به‌ویژه در قوای سه‌گانه اطلاع از وظایف، خصوصیات و حساسیت‌های مسئولیت محوله است. بی‌تردید آقای رئیسی به دلیل سابقه حضور بلندمدت در قوه قضائیه و پیمایش مراحل رشد علمی می‌تواند منشأ اثرات مثبتی باشد و امید آن است که در درجه نخست بتواند تشکیلات قضائی را روزآمد و کارآمد کند تا دراین‌صورت زمینه‌های تحقق کامل عدالت قضائی فراهم شود. لازمه تحقق این امر آن است که قوه قضائیه به‌هیچ‌وجه سیاسی عمل نکند و از سوی دیگر در مناسبات قضائی اصل تفکیک قوا به طور کامل رعایت شود. البته این سخن نافی تعامل قوا با یکدیگر نیست و ناظر به حالتی است که رئیس قوه قضائیه فارغ از فشارهای سیاسی قوه قضائیه را هدایت کند. دیگر آنکه امید است که با حضور آقای رئیسی رابطه قوه قضائیه با نهادهای صنفی مستقل مانند کانون وکلای دادگستری نیز ترمیم شود و اراده‌ای منسجم برای مقابله با فساد در قوه قضائیه و کانون وکلا در پیش گرفته بشود. درخواست دیگر قابل ذکر جلوگیری از موازی‌کاری در نهاد عدالت قضائی است. ایجاد نهاد کانون کارشناسان نه‌تنها کمکی به امر دفاع نکرد؛ بلکه بار سنگینی بر گرده نظام قضائی گذاشت و هزینه حاکمیتی ایجاد کرد که امیدواریم ازاین‌پس شاهد چنین موازی‌کاری‌هایی نباشیم. توقع دیگر ما توقیت نهاد وکالت با اعتماد به وکلای جوان این سرزمین است. در شرایطی که کار برای وکلای جوان نیز مهیا نیست، چرا باید قضات بازنشسته وارد این شغل بشوند. تمام اینها در حالی است که همین وکلای موجود نیز با اِعمال تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری از ورود به بعضی از پرونده‌ها منع شده‌اند که علاوه بر نشان‌دادن بی‌اعتمادی به وکلا باعث مخدوش‌کردن عدالت قضائی نیز می‌شود. با شناختی که از علم فقاهتی و حقوقی و تجربه او در کار قضائی دارم، امیدوارم که بتواند این چالش مهم را حل کند و بداند که وکلای ایران همیشه آماده کمک‌رسانی در چهارچوب قانون هستند». نجفی‌توانا یکی دیگر از انتظارات جامعه حقوقی را ساماندهی به دانش‌آموختگان رشته حقوق دانست و اظهار کرد: «متأسفانه با سیاست مدرک‌گرایی با خیل عظیم دانش‌آموختگان رشته حقوق مواجهیم و امید است که جناب رئیسی با اتخاذ راهبردی مناسب زمینه حضور دانش‌آموختگان این رشته را در تمام مشاغل رشته حقوق فراهم کند تا با معضل وکلای بی‌کار مواجه نباشیم».

تعریف مصداقی جرم سیاسی

محمود علیزاده‌طباطبایی، حقوق‌دان، نیز می‌گوید که مبارزه غیرتبعیض‌آمیز یکی از مهم‌ترین انتظارات مردم از دستگاه قضائی است. او درباره این موضوع به «شرق» گفت: «در وهله نخست باید بگویم که به آینده قوه قضائیه بسیار خوش‌بینم؛ زیرا یک مجتهد عادل، مدیر و مدبر می‌خواهد سکان‌دار دستگاه قضا بشود. او فردی است که علاوه بر تجربه بالای قضائی، تحصیلات دانشگاهی رشته حقوق را نیز دارد و در این رشته تا مقطع دکترا پیش رفته است. علاوه‌براین نبود هیچ شائبه مالی در سراسر فعالیت او در قوه قضائیه یک امتیاز بالا محسوب می‌شود؛ زیرا مبارزه با فساد محقق نمی‌شود؛ مگر با دستان پاک؛ ازاین‌رو امیدوارم آقای رئیسی بتواند با مقوله فساد به طور غیرتبعیض‌آمیز مبارزه کند. دغدغه دیگری که اشاره به آن لازم به نظر می‌رسد، بحث دستگاه‌های نظارتی در قوه قضائیه است. ضرورت دارد که از سالم‌ترین قضات در دادگاه انتظامی قضات استفاده شود؛ همچنین دادسرای انتظامی یک دستگاه غیرسیاسی و مستقل باقی بماند. از سوی دیگر در حوزه آموزش قضات نیز اهتمام بیشتری شود. درحال‌حاضر دانش قضات معمولا از دانشکده قضائی حاصل می‌شود که متأسفانه در حد نازلی قرار دارد. برای حل این موضوع باید از شایسته‌ترین استادان بهره بگیریم تا قضاتی آگاه به مبانی حقوقی به دستگاه قضائی وارد شوند. نکته دیگر آنکه امیدواریم قوه قضائیه بپذیرد که می‌توان از افراد مجتهد و غیرمعمم نیز برای دادستانی کل کشور و ریاست دیوان عالی کشور استفاده کرد. برای این دو سِمت اجتهاد شرط است و می‌دانیم که بسیاری از قضات خوش‌نام، مؤمن و دانشمند وجود دارند که مجتهدند؛ اما معمم نیستند. بهتر است که بتوانیم از چنین ظرفیتی استفاده کنیم؛ زیرا این افراد سرمایه‌های انسانی کشور ایران محسوب می‌شوند. در نهایت با تمام وجود می‌خواهم که نگاه امنیتی از پرونده‌ها برداشته شده و تنها عملیات‌های مسلحانه و تروریستی در زمره جرائم امنیتی دانسته شود. برای تحقق این موضوع قوه قضائیه می‌تواند اصلاح قانون جرم سیاسی را از مجلس شورای اسلامی بخواهد و قضات شریف زیر بار صدور بی‌مورد احکام جرائم امنیتی نروند». در پایان به نظر می‌رسد که به دلیل تجربه ابراهیم رئیسی و نیز دانش حقوقی او می‌توانیم شاهد اتفاقات مثبتی در فرایند قضائی کشور باشیم. البته این مهم در صورتی محقق می‌شود که قوه قضائیه در تعامل با نهادهای دیگر بتواند بیش‌ازپیش به یک وفاق مشترک با مردم برسد.

۶۸ سال بعد از یک دوسیه مسکوت

تبعات چندجانبه ترور رزم‌آرا

مهسا جزینی: ماجرا آن‌قدر مهم بود که بعد از ۶۸ سال همچنان «دوسیه مسکوت» نام بگیرد و یک مستندساز را به صرافت ساخت اثری درباره آن بیندازد. ماجرای قتل رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ را می‌توان با ترور جان.اف کندی در آمریکا در ۱۳ سال بعدازآن مقایسه کرد؛ ماجرای آن ترور هم هنوز ابهام‌های زیادی دارد. ظاهر ماجرا این است که همه‌چیز زیر سر جمعیت فداییان اسلام بود. خلیل طهماسبی، عضو جمعیت فداییان اسلام که اسلحه به دست در صحنه حاضر بود، به‌عنوان قاتل بازداشت شد و به قتل رزم‌آرا اعتراف کرد. جمعیت فداییان اسلام هم رسما مسئولیت ترور را پذیرفت. روز بعد آیت‌الله کاشانی رئیس وقت مجلس شورای ملی که رابطه حسنه و نزدیکی با فداییان داشت، قتل رزم‌آرا را واجب و طهماسبی را منجی ملت ایران دانست. بعدهم در مصاحبه‌ای نظرش را چنین ابراز کرد: «این عمل به نفع ملت ایران بود و این گلوله و ضربه عالی‌ترین و مفیدترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد». اسناد بازجویی‌های «خلیل طهماسبی» متهم اصلی، اسناد پزشکی قانونی، گفته‌ها و خاطرات شاهدان و راویان منتشر شده اما هنوز از این رخداد با عنوان اسرار «قتل رزم‌آرا» یاد می‌شود. مهندس عزت‌الله سحابی در صفحه ۹۹ کتاب خاطرات خود (نیم قرن خاطره و تجربه) می‌نویسد: «در جلسه‌ای با حضور نواب صفوی از فداییان اسلام و دکتر فاطمی، بقایی، مکی، شایگان از جبهه ملی و البته بدون حضور مصدق و کاشانی برخی از چهره‌های جبهه ملی گفتند شاه فعلا خطرناک نیست و کارها زیر سر رزم‌آراست. نواب، فنجان چای خود را برمی‌گرداند و می‌گوید: به فرض که رزم‌آرا ساقط شد. آیا شما قول می‌دهید احکام اسلامی را اجرا کنید؟». محمدمهدی عبدخدایی، عامل ترور «حسین فاطمی» و از یاران نزدیک «نواب صفوی» و «خلیل طهماسبی» می‌گوید که طهماسبی بعدا برای خود من تعریف کرده که یک گلوله زده به مغز رزم‌آرا و دو گلوله هم زده به شانه‌های وی؛ بعد هم سند رسمی پزشکی قانونی وجود دارد. او می‌گوید: «در ۱۸ اسفند نواب صفوی با مرکب قرمز به تمام نمایندگان نامه می‌نویسد اگر به ملی‌شدن صنعت نفت رأی ندهید به سرنوشت رزم‌آرا دچار خواهید شد. الان روزنامه نبرد ملت موجود است. چهارشنبه این روزنامه به عنوان ارگان فداییان اسلام تیتر زد که رزم‌آرا به جهنم رفت و سایر خائنین به‌دنبال وی رهسپار خواهند شد. واقعیت‌های تاریخی را که نمی‌شود انکار کرد. بعد از ۵۰ سال می‌آیند تشکیک می‌کنند، چون فداییان اسلام این کار را کرده و بیداری اسلامی خواهند فهمید که ملی‌شدن صنعت نفت ریشه مذهبی داشته و آن را تبدیل به ریشه ناسیونالیستی کنند پس می‌آیند در تاریخ تشکیک می‌کنند».

ردپای شاه

روایت‌هایی وجود دارد که شاه از قتل رزم‌آرا نه‌تنها چندان متعجب نشده بلکه گویا در انتظار شنیدن خبر آن هم بوده است. سیدضیا طباطبایی در خاطرات خود می‌نویسد: «خدمت اعلیحضرت بودم تا مشورتی داشته باشم... اما نوعی حواس‌پرتی و پریشان‌خاطری در ایشان می‌دیدم. مدام به ساعت نگاه می‌کردند. به تلفن خیره می‌شدند و اصلا حواسشان به من نبود... در این اثنا در باز شد. کسی شتاب‌زده بر آستانه در ظاهر شد و بدون اینکه مرا دیده باشد یا بر اثر هیجان با صدای بلند گفت: تمام شد قربان! اعلیحضرت راحت توی صندلی افتاد و چشم‌ها را بست و پس از لحظه‌ای گشود و به من گفت: آقا! فردا پس‌فردا بیایید تا حرفمان را تمام کنیم». می‌گویند برخی ویژگی‌های شخصیتی و البته اقدامات رزم‌آرا باعث شده بود تا شاه به او مظنون شده و تصور کند که او قصد کودتا دارد. نزدیکان شاه و «زاهدی» که آن زمان رئیس شهربانی بود، مدام توهم کودتایی از سوی «رزم‌آرا» علیه شاه را برجسته می‌کردند. حتی شایع شده بود که او در ترور سال ۲۷ علیه شاه دست داشته و با حزب توده رابطه دارد. در همین ارتباط گویا پای اسدالله علم هم به میان می‌آید؛ کسی که در زمان ترور دوشادوش رزم‌آرا بوده. می‌گویند درحالی‌که علم صبح به مراسم ختم آیت‌الله فیض رفته بوده، اما ساعتی بعد به ملاقات رزم‌آرا می‌رود و به او اصرار می‌کند که با هم دوباره به مراسم بروند! این سؤال را خودش هیچ‌وقت پاسخ نداد که چرا و چه شد که به صرافت افتاد برای بار دوم در معیت رزم‌آرا به مراسم ختم برود! سرهنگ منصور رحمانی در خاطرات خود می‌نویسد: «زندانیان هم‌بند خلیل طهماسبی معتقد بودند تیر او موجب قتل رزم‌آرا نشده. زیرا شش تیر کوچک او کالیبر کوچک و سرعت اولیه کمی دارد حال آن‌که وسعت زیاد زخم گلوله و نفوذ عمیق آن در بدن رزم‌آرا نشان می‌داد گلوله از سلاح کمری کلت و با کالیبر بزرگ رها شده که تنها ارتش در اختیار داشت». «ابوالفضل لسانی»، وکیل «خلیل طهماسبی»، پس از مطالعه پرونده و نوع گلوله‌ها متوجه می‌شود که گلوله‌ها با هم فرق دارند و گلوله چهارمی که باعث مرگ «رزم‌آرا» شده از نوع دیگری است. او موضوع را به طهماسبی می‌گوید، ولی طهماسبی قبول نکرده و می‌گوید: «شما می‌خواهید افتخار مرا بگیرید و از بین ببرید». وسعت زیاد زخم گلوله در بدن «رزم‌آرا» و نفوذ عمیق آن جای شک باقی نمی‌گذاشت که کمری «کلت» مناسب‌ترین سلاحی بود که ممکن بود چنان اثری ایجاد کند و احتمالا ضارب واقعی کسی بوده که تحت عنوان محافظ با هماهنگی دربار و شاید شخص «علم» در لباس غیرنظامی مأمور انجام این کار شده است. روایتی می‌گفت «طاهونی» و «جلیلوند» که محافظان رزم‌آرا در آن روز بودند، بی‌درنگ بعد از بلندشدن صدای شلیک نخستین گلوله توسط «خلیل طهماسبی»، «رزم‌آرا» را از پشت‌سر هدف قرار دادند. گزارش پزشکی‌قانونی هم نشان می‌داد که هر سه گلوله از پشت زده شده و از جلو خارج شده است.

چراجبهه‌ملی

روایت عزت‌الله سحابی از آن جلسه مشترک میان اعضای جبهه ملی و فداییان اسلام را محمدمهدی عبدخدایی، از اعضای فداییان اسلام، هم تأیید می‌کند و می‌گوید که در جلسه‌ای با جبهه ملی تصمیم به ترور رزم‌آرا گرفته شد. عجیب‌تر اینکه در ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ هم نمایندگان مجلسی که بیشترشان به مصدق گرایش داشتند در اقدامی بسیار کم‌سابقه طرح تبرئه خلیل طهماسبی را ارائه کردند: «ماده‌واحده: چون جنایت حاج علی رزم‌آرا و حمایت او از اجانب بر ملت ایران ثابت است بر فرض که قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد از نظر ملت ایران بی‌گناه شناخته و تبرئه می‌شود». رزم‌آرا تحت عنوان چهره‌ای نزدیک به انگلیس شناخته می‌شد که نامش با ویژگی‌هایی مانند سرسختی، مخالفت با ملی‌شدن نفت و حتی مدعی قدرت گره خورده بود. در دورانی که تب ملی‌شدن صنعت نفت بالا گرفته بود، او به حامی قرارداد «گس- گلشاییان» و مخالف ملی‌شدن معروف شد. جمله‌ای هم از او مشهور شده که خطاب به مجلسیان می‌گوید: «ایرانیانی که توانایی اداره یک کارخانه سیمان را ندارند چطور می‌توانند تشکیلات نفت را مدیریت کنند؟» البته بعدا مشخص شد که او در خفا در حال توافق با انگلیس بر سر ماجرای نفت بوده است. نورمان کمپ، خبرنگار روزنامه تایمز و نیوزکرانیکل لندن که در موقع خلع ید در آبادان بوده، نوشته است: «روزی به طور اتفاقی اطلاع یافتم که رزم‌آرا با نارتکرافت نماینده شرکت نفت ملاقات داشته و از او خواهش کرده که به لندن رفته پنج میلیون لیره مساعده از شرکت برای دولت من (رزم‌آرا) تحصیل نماید». رزم‌آرا که در رابطه با پیشنهاد ۵۰-۵۰ شرکت نیز به طور پنهانی مذاکره کرده بود، در نظر داشت در زمانی که شرایط به نفع او مساعد بود، آن را در مجلس نیز مطرح کند. آمریکایی‌ها به تازگی در برخی مناطق نفت‌خیز در حال اجرای قاعده «تصنیف» بودند و در مقایسه با عوایدی که شرکت نفت ایران انگلیس در آن زمان عاید ایران می‌کرد، به مراتب منصفانه‌تر بود. اشتباه «رزم‌آرا» اما این بود که مسیر مذاکرات را تا مدتی مخفی نگه داشته بود و بسیار دیر آن را با مجلسیان در میان گذاشت. در کوران رقابت‌های سیاسی و اقتصادی دو بلوک شرق و غرب در خاورمیانه، قدرت‌گیری حزب توده در داخل، تب ملی‌شدن صنعت نفت و از سویی دسیسه‌های دربار، ترور «رزم‌آرا» به رخدادی چندبُعدی بدل شد. انگار ائتلافی از منافع جناح‌های سیاسی به‌ظاهرمتعارض، با یک ترور سیاسی گره خورده بود.

خبر

مقام معظم رهبری ۲ اصله نهال میوه غرس کردند

● **پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:** به‌مناسبت روز درختکاری و هفته منابع طبیعی، رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز (چهارشنبه)، دو اصله نهال میوه غرس کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس روز درختکاری را مژده در پیش‌بودن بهار و یادآور اهمیت پوشش گیاهی دانستند و با اشاره به خسارت‌هایی که بر اثر بی‌اعتنایی به جنگل‌ها، مراتع و پوشش گیاهی به کشور تحمیل می‌شود، خاطرنشان کردند: مسئله درخت و حفظ پوشش گیاهی باید جایگاه واقعی خود را در فرهنگ عمومی پیدا کند. ایشان کاشت نهال در روز درختکاری را اقدامی نمادین و با هدف تقویت فرهنگ اهمیت‌دادن به درخت و گیاه برشمردند و با انتقاد از آسیب‌زدن به درختان در برخی مراکز پردرخت با انگیزه احداث ساختمان، افزودند: دستگاه‌های مسئول باید جدا در مقابل این‌گونه کارها بایستند و اجازه انجام آن را ندهند. رهبر انقلاب اسلامی همچنین از غرس برخی نهال‌های مضر در بعضی از نقاط کشور به منظور جلوگیری از پیشرفت صحرا و بیابان‌زایی انتقاد کردند و گفتند: دستگاه‌های مسئول باید از چنین اقداماتی جلوگیری کنند، ضمن اینکه برای حفظ جنگل‌ها و مراتع باید تلاش کرد و دستگاه‌های ناظر از جمله دستگاه قضائی در جلوگیری از تعرض به جنگل کمال اهتمام را داشته باشند.

پاسخ مقام معظم رهبری به روحانی:

فرمانده جنگ اقتصادی باید رئیس‌جمهور باشد

● **پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری:** حسن روحانی دیروز در جریان سفر به استان گیلان در اجتماع مردم لاهیجان با بیان اینکه ما در یک شرایط عالی نیستیم بلکه در شرایط جنگ اقتصادی و روانی هستیم، گفت: همه ملت ایران می‌دانند که عقب‌نشینی در این مرحله به معنای ازدست‌دادن همه دستاوردهای تاریخی از مشروطه تا انقلاب اسلامی است؛ چراکه سردمدار نهضت مشروطه، ملت ایران و در رأس آن آذربایجان و گیلان بود که در دفاع مقدس و انقلاب اسلامی نیز مردم این خطه در خط مقدم مبارزه بودند. دکتر روحانی افزود: در یک اختلاف‌نظری نیستیم که با آمریکا مذاکره و مصالحه کنیم بلکه باید دشمن را به عقب برانیم و ملت ایران راه عزت خود را ادامه دهد. رئیس‌جمهور با اشاره به برگزاری جلسات متعدد با مقام معظم رهبری درباره شرایط کنونی جنگ اقتصادی و روانی، اظهار کرد: در این جلسات به رهبر معظم انقلاب گفتم که در این مرحله نیاز به یک فرمانده داریم تا همه مردم و ارکان نظام با یک فرماندهی واحد دشمن را شکست دهند و پیشنهاد دادم که ایشان به عنوان رهبر نظام، فرماندهی جنگ اقتصادی را برعهده بگیرند و همه مسئولان و قوای کشور در خدمت ایشان باشند تا مسیر و راه را آن‌گونه که ایشان هدایت می‌کنند، ادامه دهیم. روحانی ادامه داد: مقام معظم رهبری گفتند الان شرایط جنگ است و نیاز به فرمانده این جنگ داریم که باید فرمانده آن رئیس‌جمهور باشد و این تأکید مقام معظم رهبری بود و بر این مبنا دستور دادند تا دولت و قوای دیگر در چارچوب مقررات در کنار دولت باشند و من نیز در آن جلسه اعلام آمادگی کردم که دولت و رئیس‌جمهور به شرایط حساس کنونی کشور کمک کنند. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه حسن روحانی بدون نمایندگی ملت ایران یعنی هیچ اما با ملت ایران یعنی قدرت ملت ایران، تصریح کرد: امروز روز ایستادگی یکپارچه ملت ایران در برابر دشمنان است؛ چراکه فکر می‌کنند ملت ایران را می‌توانند به زانو در بیاورند و من با همان عهد سال ۹۲ و ۹۶ اعلام می‌کنم که دولت به‌عنوان خدمتگزار ملت از شرایط جنگ اقتصادی و روانی نمی‌هراسد؛ چراکه ملت را یکپارچه در کنار خود دارد و دولت نیز با تمام توان از ملت ایران حمایت می‌کند و نسبت به دغدغه و مشکلات آنان آگاهی دارد. رئیس‌جمهور با اشاره به آغاز عملیات اجرائی طرح راه‌آهن رشت به آستارا به‌عنوان طرح بسیار مهم ملی و بین‌المللی، گفت: با تکمیل این مسیر ریلی، ده‌ها و حتی صدها کشور در آفریقا، آسیا، شرق و شمال اروپا و آسیای مرکزی به یکدیگر متصل خواهند شد. دکتر روحانی، همسایگی با ۴ کشور بزرگ آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان را از امتیازات استان گیلان برشمرد و ادامه داد: این ۴ کشور همسایه‌هایی هستند که می‌توانند روابط نزدیک و دوستانه با آنان موجب رونق تجاری در ایران و به‌ویژه گیلان و شمال کشور شود و به سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت راه دستور می‌دهم که تلاش کنند تا این راه‌آهن به بنادر دریای خزر متصل شود که اتصال راه‌آهن رشت به کاسپین و انزلی به‌جز مسیر آستارا می‌تواند موجب تحولات فراوانی شود. رئیس‌جمهور ادامه داد: باید تلاش کنیم که این بخش‌ها را نیز در دولت دوازدهم عملیاتی کنیم. دکتر روحانی با تأکید بر اینکه تعامل سازنده با همه کشورها رویکرد ایران است و برخی کشورها خودشان ایجاد مشکل کردند، تصریح کرد: کشورهایی که از جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند، مقصر هستند؛ چراکه آنها از روز اول انقلاب مانع‌تراشی می‌کردند و خوشبختانه امروز بهترین روابط را با آذربایجان، روسیه، قزاقستان، و ترکمنستان داریم و این روابط با کشورهای همسایه ادامه خواهد داشت و راه‌آهن رشت - آستارا نیز با کمک و همکاری دولت آذربایجان به انجام می‌رسد.